

#### قلم سبز

#### لابی خودروسازان برای محوواقعیت



محمّد درویش

● دولت آلمان در نظر دارد تا خرید خودروهای برقی را با افزایش یک بودجه چندمیلیاردی و تمدید مدت پرداخت پاداش نقدی که از سه سال پیش آغاز کرده، به پیشش براند. این تصمیم نتیجه «اجلاس خودرو» است که روز چهارم نوامبر در دفتر صدراعظم برگزار شد و در آن وزیر حمل‌ونقل و نمایندگان برجسته از صنعت خودروسازی حضور داشتند. این روش پایداری به نظر می‌رسد، اما نمونه بازی است که نشان می‌دهد چگونه گفت‌وگو در زمینه حمل‌ونقل آینده در این کشور به انحراف کشیده می‌شود.
بله، البته، بخش‌هایی از آلمان وجود دارند که در آنجا گزینه‌های متنوعی برای تردد در دسترس نیست. این اقدام در چنین مکان‌هایی یک انگیزه خوب برای کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن است، اما در همه مناطق شهری ایسن حمایت یک بی‌راهه است.
دو فرضیه باید اساس سرمایه‌گذاری در کلان‌شهرها باشند: اگر ما در زمینه چگونگی رفت‌وآمد مؤثر در شهر تنها بر روش ایجاد انگیزه تمرکز کنیم، پیش‌رفتی نخواهیم داشت. با پاداش‌های نقدی همچنان بر خودرومحوری تأکید می‌شود. این در یک جامعه موتوریزه چیز شگفت‌انگیزی نیست، اما در حد شگفت‌آوری کونه‌بینانه است. البته انسان خطایندز است، اما انسان اتومبیلی یک خطای یگانه است.
از این گذشته ایده اصلی ترمک در تجربه راه‌بندان جمعی به حد پوچی کاسته می‌شود. درحالی‌که ما در راه‌بندان از شیشه جلوی اتومبیل به تصویر ثابت روبه‌رویمان خیره شده‌ایم، فرصت داریم تا در این باره فکر کنیم؛ ما با مشکل کمبود فضا در معابر عمومی روبه‌رو هستیم. بنا بر یک گزارش جدید از اداره آمار، ۶۸ درصد از کسانی که در آلمان از منزل تا محل کار می‌روند، از خودروی شخصی استفاده می‌کنند. این رقم باید کاهش پیدا کند، برای این کار ما باید در زیرساخت‌های دوچرخه سرمایه‌گذاری کنیم. اگر مردم بیشتر بر دوچرخه سوار شوند، کیفیت هوای شهر بهتر می‌شود. البته خودروهای برقی ذرات معلق کمتری تا خودروهای سوخت فسیلی انتشار می‌دهند - به همین دلیل هم دولت تصمیم دارد که پاداشی نقدی برای ۶۵۰ هزار تا ۷۰۰ هزار خودرو در نظر بگیرد- اما با این کار در فضا صرفه‌جویی نمی‌شود. به همین دلیل، طرفداران دوچرخه‌سواری از برنامه‌های دولت برآشفته‌اند. پیش از همه به این خاطر که پاداش‌های نقدی شامل کسانی می‌شود که خودرو را جایگزین خودرو می‌کنند. ماه گذشته آندره‌آس شیور، وزیر حمل‌ونقل، اعلام کرد که تا سال ۲۰۳۰ برای حمایت از تردد دوچرخه‌ها ۹۰۰ میلیون یورو خرج خواهد کرد. اگر این رقم را به یک مبلغ سالانه سرشکن کنیم، رقم بسیار کمی به دست می‌آید، به‌ویژه اینکه دولت هر سال‌های آینده ۳،۵ میلیارد یورو در ایجاد زیرساخت برای خودروهای برقی هزینه خواهد کرد. هم‌زمان کلوپ عمومی دوچرخه‌سواران آلمان - ADFC - و اتحادیه متشکل از دوچرخه‌سواران و سرویس‌های خدماتی و مغازه‌داران مرتبط از ۲۰ میلیون یورویی که نخستین‌بار در سال ۲۰۱۹ برای اقدامات ضروری در دسترس قرار داده شدند، اما در بودجه دولت در سال ۲۰۲۰ ناهمی از آن برده نمی‌شود، انتقاد می‌کنند. یک مثال خوب برای چگونگی تأثیر پاداش نقدی در زمینه دوچرخه‌سواری را می‌توان در هامبورگ مشاهده کرد. آنجا افراد، انجمن‌ها یا شرکت‌ها می‌توانند بارانه‌ای تا دو هزار یورو (۳۳ درصد از قیمت خرید) برای تهیه یک دوچرخه بارکشی را درخواست کنند. به گفته پنز کریستان، سناتور محیط‌زیست هامبورگ از حزب سبز، با این برنامه خودروهای کمتر و دوچرخه‌های بارکشی بیشتری به خیابان‌ها می‌آیند. در مدت‌زمان کوتاهی ۲۰۰ درخواست ارائه شده و بودجه تعیین‌شده برای این برنامه مصرف شده که قرار است به این دلیل به بارانه‌های در نظر گرفته‌شده در این زمینه در طول سال‌های آینده اولویت داده شود. در مقایسه، تلاش دولت در این زمینه بسیار کم است، شاید باید به تماشای این تصویر مشغول ماند. پشتیبانی از خودروهای برقی برای حل مشکل تردد مانند تغذیه از خوراک‌های رژیمی برای لاغرشدن است: کمک می‌کند، اما بسیار سطحی. پس بهتر است در درازمدت نوع تغذیه را تغییر داد یا بیشتر تحرک داشت. چیزی که با دوچرخه‌سواری ممکن است. برعکس نشستن در خودروهای برقی.

خواننده عزیز ستون قلم سبز در روزنامه «شرق»!

اگر پیگیر یادداشت‌های نگارنده درباره ریشه‌یابی دلیل تلاوم آلودگی هوا در تهران و دیگر کلان‌شهرها باشید، دریافته‌اید که صاحب این قلم باید بارها تأکید کرده که برای رفع بحران آلودگی هوا، سخت‌گیری بر بهبود کیفیت سوخت با افزایش معاینه فنی یا بهبود کیفیت خودروها مؤثر نیست. بارها تأکید شده که وقتی تعداد خودروها بین شش تا هفت‌برابر ظرفیت معابر عمومی است، حتی با برقی‌کردن همه آنها هم مشکل ترافیک و تأخیر در وقت شهروندان حل نخواهد شد. بنابراین، باید با تغییر میلمان شهری از خودرومحوری به زیست‌محوری، شهری را بسازیم که مردمش داپطلبانه استفاده از وسایل نقلیه عمومی یا دوچرخه را بر رانندگی با خودروی شخصی ترجیح دهند. اما آیا می‌دانید چرا قبول این نکته ساده از ایران تا آلمان دشوار است؟! بله، درست حدس زدید! چون نفع کارخانه‌های خودروسازی و لابی‌ی پرقدرت آنها اجازه نمی‌دهد و واقعیت نمایان شود. ما در ایران هم باید صنف پرقدرت‌تری از حامیان دوچرخه‌سواری و نفی خودرومحوری برپا کنیم تا صدایمان در صحن بهارستان شنیده شود.

# شرق

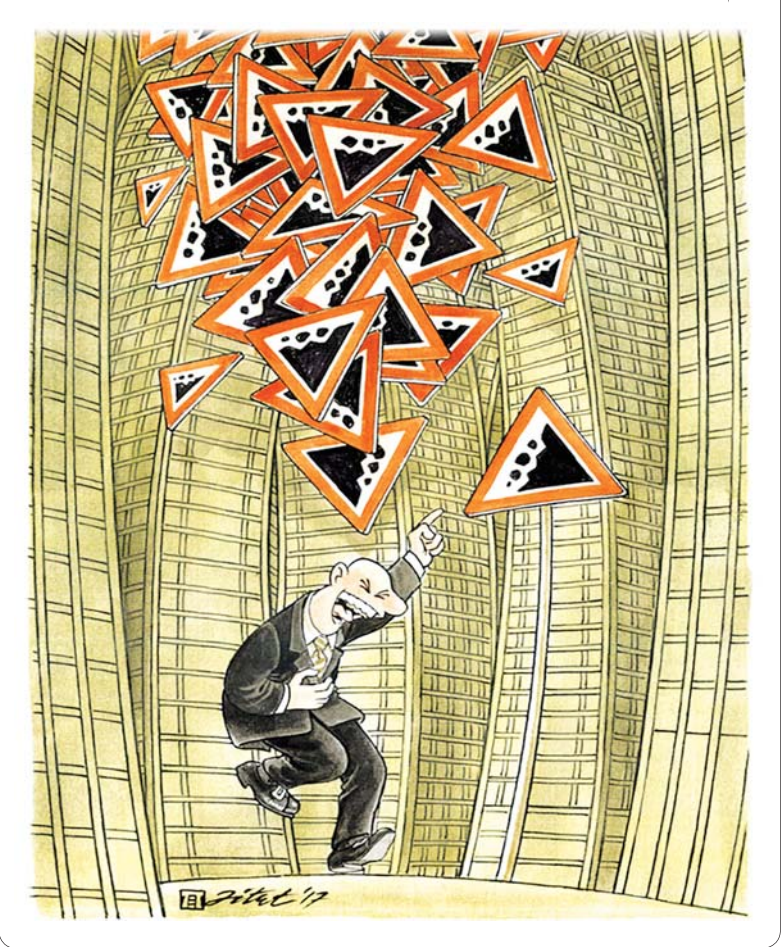
دوشنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۸ • ۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۱ • ۲ دسامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۸۶ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۴ • اذان مغرب ۱۷:۱۱ • اذان صبح فردا ۵:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۵۸

#### روزنامه‌فردا

#### کارتون خواب

#### حیثیت کاستانا



#### یاد

### همایون خسروی دهکردی در گذشت

**شرق:** همایون خسروی دهکردی، منتقد سینما و مدیرمسئول مجله «سینما و ادبیات» در ۶۸سالگی درگذشت. در خبرها آمده است که ایسن منتقد سینما به‌دلیل بیماری قلبی و ربوی در روز دهم آذر در بیمارستان ایران‌شهر درگذشته است. سردبیر مجله «سینما و ادبیات» با اشاره به دغدغه همایون خسروی دهکردی به «ایسنا» گفته است: «دل ایشان برای فرهنگ این مملکت می‌تپید. او به حوزه داستان‌نویسی علاقه داشت و در این زمینه فعالیت‌هایی هم انجام می‌داد، اما در حوزه صنعت شناخته‌شده بود». خسروی دهکردی به مدت ۱۶ سال، سرمایه خود را در این حوزه به بخش فرهنگ آورد و مجله «سینما و ادبیات» را راه‌اندازی کرد.



سردبیر مجله «سینما و ادبیات»

#### قصه‌های شهر

### جمعه سیاه

با چقدر فضیلت است، ندارم. نمی‌خواهم آن را ارزش‌گذاری اخلاقی کنم( گرچه در چشم من بارزش است) فقط می‌خواهم این نکته را بگویم که این یک ویژگی رفتاری مربوط به همین جامعه است، چه بسا اگر این عمل را یک راننده تاکسی در نیویورک انجام دهد، عمل بی‌ربط و مضحکی به نظر بیاید. و حتی ساوکار زندگی‌شان را به‌هم بزنند. چون رفتارها و خصوصیات فرهنگی هر جامعه‌ای متناسب با شرایط و امکانات سازوکارهای خودش هستند و در همان چارچوب معنا یا ارزش پیدا می‌کنند. تا اینجا را داشته باشید تا بگویم از یک هفته قبل هر روز در حال دریافت پیامک‌های متعددی بودم که با کمال مسرت اعلام می‌کردند به مناسبت بلک فرایدی (black friday)، ملحفه‌ها، قابلمه‌های نئوز، جلیقه‌های ایکس لارژ، کرم‌های لک‌بر، ساعت سخنگو و پوشاک زیر و رو و خیلی اقلام دیگر را با تخفیف حیرت‌آوری عرضه می‌کنند، آن هم نه یک روز، بلکه چندین روز، آن هم نه همه اجناس، بلکه بعضی جنس‌ها، آن هم نه با یک بار پیامک، بلکه با همه شعب، آن هم نه با یک بار پیامک، بلکه با چندین بار پیامک، آن هم... خلاصه اینکه در مدت دو، سه روز دچار آلرژی بلک فرایدی شدم. بلک فرایدی قطعا در آن طرف دنیا متناسب با فرهنگ و ساختار خودشان معنا و مفهومی دارد. خوب یا بدبودنش، همراهش شدن یا نشدن هم مقوله‌ای مربوط به ساکنان همان‌جاست. غرض این است به همان اندازه که اگر راننده تاکسی‌ای در نیویورک به مسافری بگوید آنچه‌ی به جای پول کرایه جایی صدقه بده، بی‌ربط و معنا به نظر می‌آید، بلک فرایدی برگزارکردن وطنی هم با این شکل و شمایل چیز بی‌ربط و مضحکی است. ما اینجا جمعه سیاه نداریم عزیزدل برادر.

#### طیبه سیاوشی شاه‌عنایتی

#### نماینده مجلس



قوانین بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه قانون اساسی، بر جایگاه رفیع مجلس تأکید می‌کنند؛ تأکید بر نقش مجلس شورای اسلامی و قبل از آن مجلس شورای ملی، متکی بر تجربه ارزشمند ایرانیان در زمان مشروطه و دوران کاهش اعتبار مجلس در رژیم پهلوی است. تجربه موفق مشروطه و تجربه ناموفق دوران پهلوی دوم، مردم کشور را به نقطه‌ای رساند که دریابند از ارکان برقراری مردم‌سالاری در کشور، استقلال و اعتباربخشی به مجلس ملی است. از این‌رو، با وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ و نگارش قانون اساسی جدید، بر جایگاه مجلس صخه گذاشته و تأکید شد؛ ازجمله در اصل ششم، تصریح شد که امور کشور، باید به اتکا آرای عمومی اداره شود و در اصل هفتم، مجلس شورای اسلامی از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور به شمار رفت. اما پرسش اساسی این است که چرا از این نقش معین‌شده برای مجلس و نمایندگان مستقیم مردم، غفلت می‌شود؟ می‌توان علت این امر را در سه عامل دسته‌بندی کرد: مردم، نمایندگان مجلس و سایر دستگاه‌ها. مردم، گاه با تکیه بر وعده‌های مالی یک نماینده، دست به انتخاب می‌زنند. به همین دلیل در شهرهایی که رویکرد حزبی غالب نیست، شاهد ریخت‌وپاش‌های مالی کلا هستیم و پول‌های گزافی خرج انتخابات نمایندگان می‌شود. این مسئله، نماینده منتخب را وامی‌دارد هزینه‌های خود را به هر نحو، در دوره چهارساله جبران کند. وعده‌هایی مانند سر کار بردن عده‌ای و انتقال کارخانه‌ها به حوزه انتخابیه و رفتارهایی مانند پول‌پاشی و ولیمه‌دهی، آن نقشی نیست که یک نماینده باید بر عهده بگیرد و با آن، جایگاه خود را کوچک کند. به همین علت، گاه افرادی به مجلس راه پیدا می‌کنند که به‌جای تمرکز بر رویکردهای کلان و ملی، به دنبال عمل به وعده‌های خُرد و اعمال نفوذ بر دستگاه‌های دولتی برای انجام آن وعده‌ها هستند. نماینده‌ای که با اعمال نفوذ برای چند نفر اشتغال ایجاد کند، خوانخواه وارد رابطه با دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی شده و این رابطه، دست او را برای استفاده از ابزارهای نظارتی می‌بندد. از طرفی، رویکردهای قومیتی به‌شدت در مجلس وجود دارد. این رویکردها با اقبال عمومی در حوزه‌های انتخابیه مواجه شده و می‌توانند صندلی یک نماینده را تا چندین دوره در مجلس استوار کند و ورود اشخاص متخصص و کلان‌نگر به مجلس جلوگیری کند.

در این دوره شخصا بارها برای موضوعات کلان و ملی مانند مباحث محیط‌زیستی، فرهنگی، دانشگاهی و... در خارج از حوزه انتخابیه تهران وارد شده و بعینه درک کرده‌ام امید مردم در مسائل ملی، به نمایندگان تهران است. در حالی که تک‌تک نمایندگان باید این رویکرد ملی را داشته و با نهادهای مدنی حوزه‌های انتخابیه خود ارتباط مستقیم داشته باشند.

بنابراین تقلیل و تضعیف جایگاه مجلس، مؤثر از نحوه انتخاب مردم و رویکردهای ناصحیح خود نمایندگان نیز بوده است. اما مهم‌ترین عامل، نقش دیگر نهاده‌ها در تعیین این جایگاه است. شیخ توصیه‌های مکتوب و نامکتوب و مستقیم و غیرمستقیم، بر فضای مجلس حکمرانی می‌کند و حرف اول و آخر را می‌زند. فرقی ندارد که موضوع برجام در مجلس نهم باشد یا بنزین در مجلس دهم؛ در هر صورت، توصیه‌ها سرنوشت دیگری را رقم زده‌اند!

مصوبات شوروا، کارگروه‌ها، ستادها و حتی

#### سلام به فردا

## مجلس کجای امور است؟

مجلس، بودند کسانی که از لابی‌وح و طرح‌های مصوب مجلس دهم مطلع بوده و می‌دانستند این دوره مجلس، چه دستاوردهای مهمی به‌ویژه در حوزه کودکان و زنان داشته است. اما موضوع اخیر، ورق را کاملاً برگردانده و با شرایط فعلی، انتخابات آتی برای مردم علی‌السویه شده است.

در عین اینکه مردم ما به سیاست‌مداران بی‌اعتماد هستند، اما امید داشتند که مجلس از حقوق آنان دفاع کند. اما متأسفانه در شرایط اخیر، نمایندگان نتوانستند بازتاب‌دهنده رأی کسانی باشند که آنها را ا انتخاب کرده‌اند و حتی نتوانستند صدای اعتراض مردم باشند تا اعتراضات به این سطح از خشونت نرسد.

از طرفی، طبق اصل ۷۹ قانون اساسی، در شرایط اضطراری، دولت باید با تصویب مجلس موقت محدودیت‌های ضروری را برقرار کند. درباره قطع اینترنت و اعمال این محدودیت، هرگز با مجلس در این زمینه هماهنگ نشده و به‌نوعی مجلس در تمام امور و به انحای مختلف، قبل، حین و بعد از افزایش قیمت بنزین، دور زده شده است.

مسئولان بلندپایه، باید توجه داشته باشند که تضعیف جایگاه مجلس، منجر به این ناامیدی می‌شود. تا زمانی که امید به تغییر یا اصلاح وجود داشته باشد، هیچ اعتراضی از حالت مسالمت‌آمیز خارج نمی‌شود؛ اما به محض ایجاد ناامیدی، اعتراضات وارد فازهای غیرمدنی خواهد شد؛ بنابراین مسبب اصلی تبدیل اعتراض به اغتشاش، خود ما مسئولان هستیم که مردم را ناامید کرده‌ایم. وقتی حتی اعتراضات مسالمت‌آمیز روز کارگر در مقابل «خانه ملت» را برناتاقیم، چگونه از مردم توقع اعتراض مسالمت‌آمیز داریم؟ با تمام این تفاسیل، شش‌صا اتخاذ رویکردهای منفعلانه را نمی‌پسندم و ضمن احترام به نمایندگانی که صحبت از استعفا و انحلال مجلس می‌کنند، معتقدم نمایندگان در شرایط حاضر، نباید صحنه را از بازگیری نمایندگان محروم خالی کنند. نمایندگی، قائم به شخص است و شخصا که با بیش از یک میلیون رأی وارد مجلس شده‌ام، اکنون با حجم عظیمی از مطالبات برای استعفا طرفم. اتخاذ این رویکرد، شاید ایجاد محبوبیت کند، اما هرگز کمکی به حل مشکلات موجود نخواهد کرد. باید دقت داشت که ما نباید برای محبوبیت و تعریف و تمجیدها در برخی از صفحات مجازی سیاست‌ورزی کنیم، نمایندگان، اینفلوئنسر نیستند که دنبال لایک باشند؛ بنابراین حتی در صورت کاهش سطح محبوبیت و مقبولیت، ناچاریم به وظیفه نمایندگی خود دست‌کم در جاهایی که هنوز اختیارات‌مان باقی است، عمل کنیم. قطعا کاستن از رنج بخشی از مردم، نزد ما باید در این شرایط، والاتر از محبوبیت‌های کاذب باشد. زیرا ما در جایگاه کنونی، حق نداریم ناامید باشیم و هرچند انکار که در چمن مصنوعی فوتبال بازی می‌کنیم، نمی‌توانیم زمین را ترک کنیم و به احترام شوقی که در اسفندماه سال ۱۳۹۴ ایجاد شد، تا آخر بازی خواهیم ایستاد.

نهایتاً ذکر این نکته لازم است که نمایندگان دلسوز این کشور، ضمن انتقاد به رویکردهای اخیر، به‌گونه‌ای نیستند که پای خود را عقب بکشند و مشکل اخیر را به گردن دیگری بیندازند. کاری است که گفته شده باید انجام شود و انجام هم شده و خواهد شد.

اما می‌بینیم که سیاست‌مداران و برخی نمایندگان، یکی‌یکی صحنه‌ها را خالی کرده و خود را آماده انتخابات مجلس یازدهم می‌کنند. آنان، بیش از همه، عرصه سیاست را با بازیگری اشتباه گرفته و از آب گل‌آلود، نه برای کاهش رنج مردم که برای پیشبرد مقاصد سیاسی، بهره می‌جویند. به‌رحال امیدوارم مردم متوجه بازی‌های پیچیده و غیراخلاقی ماه‌های آتی و موج‌سواری روی مطالبات‌شان باشند؛ چنانکه سعی کردم به واقعیت موجود، در ابتدای مطلب اشاره کنم.

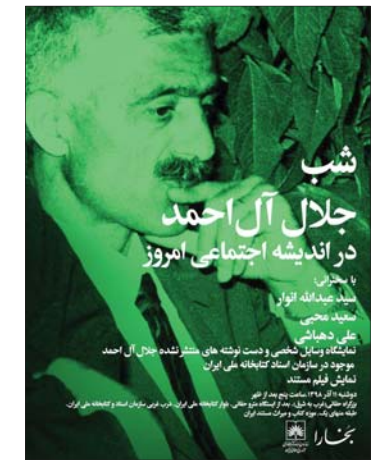
#### پیشنهاد

**سعید محبی و سید عبدالله انوار از «جلال» می‌گویند**

### شب جلال آل احمد

و مخالفان او سعی دارند جلال را بیشتر از خلال مقالات و دیگر نوشته‌های او بخوانند تا شاهی بر مدای خود بیابند. اما آل‌احمد نویسنده و منتقدی عصیانگر است که تن به یک خوانش واحد و سراسرت نمی‌دهد، کارنامه کاری او سرشار از تغییر و تحول فکری است و گریه برخی منتقدان، «غرب‌زدگی» او را برنمی‌تابند، اما آثار آوانسگارد و مدرنی همچون «سنکی بر گوری» معادلات را برهم می‌زند و او را در قامت نویسنده‌ای پیشرو و جسور نشان می‌دهد. به هر تقدیر، امروز جمعی از اهل فرهنگ و تفکر در کتابخانه ملی گردهم می‌آیند تا از آل‌احمد در اندیشه امروز بگویند.

سیدعبدالله انوار، سعید محبی و علی دهباشی، سخنرانانی هستند که در این مراسم به ابعاد مختلف تفکر آل‌احمد و بروز آن در روزگار ما خواهند پرداخت. همچنین در شب جلال آل‌احمد مستندی نیز درباره این شخصیت تأثیرگذار تاریخ معاصر ما به



نمایش در می‌آید. موزه کتاب و میراث مستند ایران در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، امروز ساعت پنج بعد از ظهر میزبان مخاطبانی است که به آل‌احمد و تاریخ تفکر در ایران علاقه‌مندند. نشانی موزه کتاب و میراث مستند ایران از این قرار است: بزرگراه حقانی (غرب به شرق)، بعد از ایستگاه مترو حقانی، بلوار کتابخانه ملی ایران، در غربی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، طبقه منهای یک.